

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۱۶ مارچ ۲۰۱۴

سالروز درگذشت «کارل مارکس» بنیانگذار سوسیالیسم علمی!

جمعه ۱۴ مارچ، یکصد و سی و یکمین سالروز درگذشت «کارل مارکس» است. مارکس در ۵ ماه مه سال ۱۸۱۸ در شهر ترویز Treves در ایالت راین المان متولد شد و پس از تحصیل فلسفه تاریخ در دانشگاه های بن، برلین و ینا و اخذ دکترا در سال ۱۸۴۱، همه اندیشه و نیروی خود را به فعالیت های سیاسی - طبقاتی و سازماندهی جنبش بین المللی طبقه کارگر و در هم شکستن سیستم سرمایه داری ستم گر و استثمارگر کرد.

«شبحی در اروپا می چرخد، شبح کمونیزم» این نخستین جمله مانیفست کمونیزم است، کتابی به قلم کارل مارکس و فریدریش انگلس که در فیبروری ۱۸۴۸ در لندن انتشار یافت و تا امروز کم و بیش به تمام زبان های دنیا ترجمه شده است. مایه شگفتی است که پس از گذشتن بیش از صد و اندی سال از مرگ مارکس (۱۸۸۳ - ۱۸۱۸) و انگلس (۱۸۹۵ - ۱۸۲۰) دو اندیشمندی که چهره جهان را دگرگون کرده اند، هنوز مجموعه کامل آثار این دو منتشر نشده است.

مارکس، سراسر زندگی مبارزاتی خود را صرف تبیین نظری کمونیزم علمی و هم پراتیک صرف کرد. وی، نه تنها یک تئوریسین برجسته، بلکه سازمانده مبارزه انقلابی بین المللی طبقه کارگر بود.

فعالیت مارکس و رفیق دایمی اش انگلس در اتحادیه کمونیزم ها و تدوین مانیفست حزب کمونیزم از اساسی ترین فعالیت هائی بود که در جنبش بین المللی کمونیستی انجام داده شد. اصول اساسی جهان بینی پرولتری، برنامه و تاکتیک های کمونیستی برای تأسیس جامعه طبقاتی در مانیفست کمونیست تدوین شده است.

مارکس، در هنگام نقد تاریخ به این نتیجه رسید که در حقیقت تاریخ چیزی جز مبارزات طبقاتی نیست.

لنین، درباره مارکس نوشته است: کارل مارکس، سه ایده آل اساسی قرن نوزدهم، یعنی فلسفه کلاسیک المان، اقتصاد سیاسی کلاسیک انگلیس و تئوری انقلاب سوسیالیستی فرانسه را «ادامه داد و داهیانه» به کمال رساند. توضیح ماتریالیسم دیالکتیک بر مبنای آن ها، سطح آگاهی کلی از جهان پیرامون و از جمله در جامعه بشری را ارتقاء بخشید.

درک ماتریالیستی تاریخ به کشف نیروی محرک رشد بشریت منجر گردید. آموزه های اقتصادی مارکس، مکانیزم استثمار سرمایه داری را افشاء کرد و سنگ بنای علم کمونیزم به عنوان تئوری و برنامه جنبش کارگری در جهان گردید.

شکست انقلاب سال های ۱۸۴۸ - ۱۸۴۹ اروپا و به خاک و خون کشیده شدن مدافعان کمون پاریس به وسیله نیروهای ارتجاعی در سال ۱۸۷۱، نتوانست از اطمینان راسخ و آگاهانه کارل مارکس به پیروزی انقلاب سوسیالیستی بکاهد.

اندیشه مارکس، محصول تکامل سه جریان عمده فکری قرن نوزدهم یعنی فلسفه کلاسیک آلمان، اقتصاد سیاسی و کلاسیک انگلستان و سوسیالیسم فرانسه بود. اندیشه مارکس، در روند تکامل خود و در بطن مبارزه طبقاتی و در نقد انواع سوسیالیسم خرده بورژوائی و انارشیزم، به صورت عمیق و منسجم در زمینه اقتصاد سیاسی، ماتریالیسم فلسفی و سوسیالیسم علمی تدوین شد. این اندیشه که مارکسیسم نام دارد تئوری و برنامه و هم پراتیک جنبش کارگری همه کشورهای سرمایه داری جهان است.

در سال های آغازین قرن بیستم تلاش هائی برای انتشار مجموعه آثار مارکس و انگلس انجام گرفت. به این ترتیب که ابتداء در مؤسسه مارکس - انگلس در مسکو نشر ۴۲ جلدی آثار این دو شروع شد و ۱۴ جلد آن انتشار یافت. اما این پروژه در سال ۱۹۳۵ به دستور ستالین متوقف شد، مدیر مسوول آن را به جوخه اعدام سپردند و همکاران او در اردوگاه های کار اجباری ناپدید شدند.

سال ۱۹۵۳، دو نهاد حزبی به نام «مؤسسه مارکسیسم - لنینیسم» در برلین شرقی و مسکو تأسیس شدند و انتشار آثار مارکس و انگلس را از سر گرفتند. اما از آن جا که مقامات بالای حزب کمونیست شوروی علاقه ای به انتشار نسخه های تاریخی - انتقادی نداشتند، این پروژه نیز از ادامه کار باز ماند. سال ۱۹۶۴، خروشچف راه را برای انتشار مجموعه آثار مارکس و انگلس باز کرد و نخستین جلد آزمایشی در سال ۱۹۷۲ منتشر شد. تا سال ۱۹۹۰، سال اتحاد دو آلمان، در مجموع ۳۶ جلد متن و تعلیقات انتشار یافت. گرچه قرار بود آثار مارکس و انگلس بدون سانسور و کاملاً وفادار به متن اصلی همراه با توضیحات و تعلیقات انتشار یابد اما پیشگفتارها و تعلیقات این کتاب ها متأثر از اصول «مارکسیسم - لنینیسم» بود و با توجه انگیزه های سیاسی حزب کمونیست شوروی خود متن ها نیز کامل نبودند.

در سال ۱۹۹۰ به ابتکار «انستیتوی بین المللی تاریخ اجتماعی» در آمستردام، بنیادی متشکل از مارکس شناسان اروپائی، امریکائی و جاپائی به نام «بنیاد بین المللی مارکس - انگلس» تشکیل شد تا برای نخستین بار کار نشر مجموعه کامل آثار مارکس و انگلس را با عنوان «نشر مجموعه آثار مارکس - انگلس» (Gesamtausgabe) Engels (Marx) MEGA- با رویکردی انتقادی - تاریخی، غیرایدئولوژیک و بدون کم و کاست به عهده بگیرد.

این شبکه بین المللی که نهادی آکادمیک است، شیوه کار خود را بر چهار اصل استوار کرده است: یک: وفاداری مطلق به متن اصلی، دو: انتشار تمام نسخه های موجود از هر اثر، به گونه ای که مراحل شکل گیری و تکوین آن ها، به ویژه در آثار مارکس برجسته شود، سه: انتشار هر متن به زبان اصلی، چهار: توضیحات و تعلیقات مفصل برای هر اثر.

با تأسیس مگا، یکی از بزرگ ترین پروژه های پژوهشی - انتشاراتی در سطح جهان شکل گرفت. مگا، تنها به باز نشر آثار مارکس و انگلس نمی پردازد، بلکه فارغ از علایق سیاسی - ایدئولوژیک و با رویکردی بین المللی و علمی، انتشار متن های منتشر نشده و یا تازه یافته شده، تصحیح خطاها، زودن دست بردهای بیگانه در آثار و ایدئولوژی زادئی از آن ها را نیز در برنامه کاری خود قرار داده و هدف نهائی خود را به پایان رساندن نشر انتقادی - تاریخی مجموعه آثار مارکس و انگلس همراه با توضیحات و تعلیقات اعلام کرده است. مگا، به چهار بخش تقسیم شده است: یک- آثار، مقاله ها، پیش نویس ها؛ دو- سرمایه و مقدماتش؛ سه- نامه نگاری ها و چهار) یادداشت برداری ها، دست نوشته ها و حاشیه نویسی ها.

این مجموعه قرار بود در ابتداء در ۱۶۴ دوره دوجلدی منتشر شود که به ۱۱۴ دوره تقلیل یافته و تاکنون ۵۹ دوره آن انتشار یافته است. هر دوره بین ۷۰۰ تا ۱۶۰۰ صفحه است و از دو کتاب تشکیل شده، یک جلد متن و یک جلد توضیحات و تعلیقات.

کتاب های بخش یکم شامل تمامی آثار فلسفی، اقتصادی و سیاسی، نوشته ها، مقاله ها (اعم از نیمه تمام یا به اتمام رسیده)، سخنرانی های مارکس و انگلس و نیز ترجمه های این دو می شود. این بخش شامل ۳۲ دوره است که ۲۰

دوره آن انتشار یافته است. در این بخش مقاله های فراوانی از مارکس و انگلس موجود است که مدت ها از بین رفته تلقی می شدند یا انتساب آن ها به مارکس و انگلس مورد مناقشه بود.

کتاب های بخش دوم «سرمایه» را دربرمی گیرد، همراه با تمام دست نوشته ها و ویرایش های خود مارکس و تمام نسخه های متفاوت چاپ شده و نیز آثاری که به طور مستقیم به این کتاب مربوط می شوند. از این بخش تاکنون پانزده دوره منتشر شده است. کتاب های بخش سوم حاوی نامه هائی است که مارکس و انگلس خود به دیگران یا دیگران به این دو نوشته اند. از ۳۵ دوره این مجموعه، ۱۲ جلد به چاپ رسیده است. در بخش چهارم یادداشت برداری ها و دفترهای یادداشت گردآوری شده اند که اغلب آن ها برای نخستین بار انتشار می یابند.

گرچه بودجه مگا، تنها تا سال ۲۰۱۵ تصویب شده است، اما مدیران آن پیش بینی می کنند، کار این بنیاد ۳۰ تا ۳۵ سال به طول بینجامد.

توضیحات و تعلیقات در این بخش تاریخ تکوین تک تک آثار مارکس و انگلس، از شکل گرفتن اندیشه تا پختگی و به چاپ رسیدن متن ها ارائه می شود، شیوه کار مارکس و انگلس را نشان می دهد و متن ها را بر زمینه تاریخی - سیاسی عرضه می کند. چند نمونه زیر اهمیت این توضیحات و تعلیقات را نشان می دهد.

مارکس در یک دوره مطالعات گسترده به جدیدترین دستاوردهای زمین شناسی، کیمیا، ریاضی و بیولوژی پرداخت. توضیحات و تعلیقات در مورد یادداشت برداری های مارکس در مورد زمین شناسی به تنهایی بالغ بر ۱۰۰۰ صفحه می شود. او هم چنین برای نوشتن ۵۰ صفحه سلسله مقاله هائی در مورد «اسپانیای انقلابی»، کتاب های ۳۶ نویسنده به پنج زبان را خوانده و ۷۵ صفحه یادداشت برداری کرده بود.

مارکس، در طول زندگی اش فقط برای مدت کوتاهی درآمد ثابت داشت. تنها درآمد طولانی مدت و منظم او مربوط به چهار سالی بود که به استخدام نیویورک تریبون، بزرگ ترین روزنامه عصر خود درآمده بود.

مارکس، بحران اقتصادی سال ۱۸۵۷ را که از آن به عنوان نخستین بحران اقتصادی همه گیر یاد می شود، «دورانی سخت» می نامد و می نویسد، طلب کارها چون «گرگ های گرسنه» همسرش را محاصره کرده و بحران را «بهانه قرار داده اند تا از او پول بکشند». در همین زمان انگلس که دچار مشکل غدد شده بود، پول و شش بطر بردو، سه بطر پورت و دو بطر شری برای مارکس فرستاد. مارکس نیز به نوبه خود به مطالعه متن های انگلیسی و فرانسه و المانی در مورد غدد نشست و به انگلس نوشت: «کمبود موقت آهن در خون علت اصلی بیماری تو است» و روغن کبد ماهی تجویز کرد. اما بلافاصله و بار دیگر با جدیت تمام به مطالعه بحران اقتصادی برگشت.

پس از انتشار جلد اول «سرمایه» در سال ۱۸۶۷، مارکس به یادداشت برداری برای جلد های دوم و سوم پرداخت و هم زمان به تجدیدنظر کامل در جلد اول نیز می اندیشید. انگلس پس از مرگ مارکس دست نوشته های او را برای «سرمایه» جمع آوری کرده و در جلد دوم و سوم این کتاب انتشار داد. اما مگا، با انتشار دوره ۱۵ جلدی «سرمایه» نشان می دهد، این اثر سه جلد نبوده و آن چه پیش از این منتشر شده بود، انبوهی از دست نوشته های به هم ریخته و حاصل ۲۰ سال کار بود.

مارکس و انگلس در طول بیش از ۶۰ سال با حدود ۲۰۰۰ نفر، به طور عمده مهاجرها و خارجی ها مکاتبه داشته و ۴۰۰۰ نامه نوشته اند. حدود ۱۰۰۰۰ نامه نیز به آن ها نوشته شده است. نامه های این دو به دیگران کم و بیش به طور کامل انتشار یافته اند در حالی که نامه های نوشته شده به آن ها که بخش بزرگی از آن در مسکو است، هنوز منتشر نشده اند. حدود دو سوم آثار باقی مانده از مارکس و انگلس در آمستردام و یک سوم دیگر آن در مسکو نگه داری می شود.

فشرده ای از زندگی نامه کارل مارکس، کارل مارکس (۱۸۸۳-۱۸۱۸)، به شرح زیر است:

پنجم مه ۱۸۱۸، تولد کارل مارکس در تروکه در آن هنگام در پروس ناحیه ساحلی رون رن در المان قرار داشت. وی دومین فرزند از هشت فرزند هاینریش مارکس پدر مارکس بود. هاینریش مارکس، وکیل دعاوی بود.

۱۸۳۰-۱۸۳۵: تحصیلات متوسط در دبیرستان ترو

۱۸۳۶-۱۸۳۵: تحصیل حقوق در دانشگاه بن

۱۸۴۱-۱۸۳۶: تحصیل حقوق، فلسفه و تاریخ در برلن. مارکس در این دوره با هگلیمان جوان باشگاه Doctor club معاشرت دارد.

۱۸۴۱: درجه دکترا از دانشکده فلسفه دانشگاه یه نا و نوشتن تز فلسفه خود.

۱۸۴۲: استقرار در بن و همکاری و سردبیری روزنامه راینیشه زایتونگ کلنی.

۱۸۴۳: ترک همکاری با روزنامه را پینیشه زایتونگ کلنی.

ازواج با یینی فون و ستفالن. عزیمت به فرانسه، نگارش تحقیق درباره مساله یهود. نقدی بر فلسفه حق هگل، مقدمه.

۱۸۴۴-۱۸۴۵: اقامت در پاریس و معاشرت باهاینه، پرودون، باکونین، آغاز مطالعات اقتصادی. مارکس تفکرات فلسفی خویش درباره اقتصاد و نمودشناسی هگل را در چندین دفتر دستنویس تشریح می کند. دوستی با انگلس و انتشار نخستین نوشته مشترک مارکس و انگلس به نام «خانواده مقدس».

۱۸۴۵: اخراج مارکس به تقاضای حکومت پروس.

۱۸۴۵-۱۸۴۸: اقامت در بروکسل. ایدئولوژی المانی با همکاری انگلس. اختلاف با پرودن. فقر فلسفه (۱۸۴۷). در نوامبر ۱۸۴۷، دومین کنگره جامعه کمونیستی، که مارکس و انگلس برای شرکت در آن به لندن می روند، آنان را مامور تهیه بیانیه کمونیستی می کند. انتشار بیانیه کمونیستی در لندن به زبان المانی در فوریه ۱۸۴۸.

۱۸۴۸: تبعید از بروکسل. مارکس پس از توقف کوتاهی در پاریس، به کلنی می رود و در آن جا سردبیر روزنامه نوئیه راینیشه زایتونگ می شود. وی در این روزنامه مبارزه فعالانه ای را برای جهت اساسی دادن به جنبش انقلابی المان رهبری می کند.

۱۸۴۹: کار، دستمزد و سرمایه (نخست درنوئیه راینیشه زایتونگ به چاپ می رسد). مارکس، از ناحیه رنالی اخراج می شود پس از اقامتی کوتاه در پاریس، عازم لندن می گردد و برای همیشه آن جا می ماند.

۱۸۵۰: نبرد طبقاتی در فرانسه.

۱۸۵۱: همکاری با روزنامه نیویورک تریبون.

۱۸۵۲: انحلال جامعه کمونیستی. نوشتن کتاب ۱۸ برومر لویی بناپارت.

۱۸۵۷ - ۱۸۵۲: مارکس، به ناچار مطالعات اقتصادی خود را رها می کند تا برای تامین زندگی به روزنامه نویسی بپردازد. وی، در این دوره با مشکلات مالی دائمی روبروست.

۱۸۵۹: نقد اقتصادی سیاسی، که در برلن منتشر می شود.

۱۸۶۱: مسافرت به هلند و المان. همکاری با روزنامه Die presse در وین.

۱۸۶۴: شرکت در تشکیل «اتحادیه بین المللی کارگران» (بین الملل اول). وی، اساسنامه و نطق افتتاحیه اش را می نویسد.

۱۸۶۷: انتشار کتاب اول سرمایه در هامبورگ.

۱۸۶۸: توجه مارکس به کمون روستائی روس و تحقیق در باره روسیه.

۱۸۶۹: آغاز مبارزه بر ضد باکوتین در داخل «بین الملل».

۱۸۷۱: جنگ داخلی در فرانسه.

۱۸۷۵: نقدی بر برنامه‌ی گوتا، انتشار ترجمه فرانسوی کتاب اول سرمایه توسط ژول روآ با همکاری خود مارکس.

۱۸۸۱: مرگ ینی مارکس، همسر مارکس.

۱۸۸۲: مسافرت به فرانسه و سوئیس، اقامت در الجزایر.

۱۸۸۳: چهارده مارچ، مرگ کارل مارکس.

به دنبال اعلام ورشکستگی «لیمن برادرز»، در اکتوبر ۲۰۰۸، یکی از بزرگ‌ترین بانک‌های ایالات متحده، روزنامه گاردین چاپ لندن نوشت که اگر کارل مارکس زنده بود از آشوب امروز در نظام سرمایه داری به ذوق می‌آمد، زیرا در بحرانی که سراسر نظام مالی جهان را فرا گرفته، برخی از نظریات خود را محقق می‌دید.

در آلمان فروش آثار کارل مارکس، به ویژه اثر کلیدی او «سرمایه» بالا رفته است. بنگاه انتشاراتی «کارل دیتس» در برلین خبر داد که از زمان آشکار شدن بحران فراگیر مالی جهانی، فروش آثار پیشوای کمونیسم سه برابر شده است. در آلمان حتی راس نظام مالی کشور، یعنی پر آشتاین بروک، وزیر دارائی، در گفتگویی با هفته‌نامه «اشپیگل»، اعتراف می‌کند: «مارکس خیلی اشتباه نمی‌کرد: یک سرمایه داری لگام گسسته، آن گونه که ما شاهدش بودیم، دست آخر خود را نیز می‌بلعد.»

کارل مارکس، بیش از هر متفکر دیگری در تاریخ علم اقتصاد درباره بحران در نظام سرمایه داری اندیشیده و قلم زده است. هسته مرکزی در اندیشه پایه گذار «سوسیالیسم علمی» در نقد سیستم سرمایه داری آن ست که بحران، همزاد این سیستم است و سرانجام آن را به سوی زوال و نابودی می‌کشاند.

مارکس که در آرزوی برانداختن نظام موجود و برپا کردن نظامی تازه بود، تصمیم گرفت نظریات سیاسی خود را با داده‌های اقتصادی مستدل کند. او که پس از شکست انقلابات ۱۸۴۸، در رشته‌ای از کشورهای اروپائی، از سکونت در بیش‌تر کشورهای اروپای غربی منع شده بود، به ناچار از سال ۱۸۴۹ به لندن رفت و تا پایان عمر در این شهر زندگی کرد. در انگلستان او فرصت یافت که با دوری نسبی از فعالیت سیاسی، به مطالعه دقیق علم اقتصاد بپردازد. وی، هر روز به کتابخانه «بریتیش میوزیوم» می‌رفت و تمام وقت به مطالعه متون، اسناد و مجلات اقتصادی می‌پرداخت و یادداشت برمی‌داشت.

پیش از نگارش کار بزرگ «سرمایه»، مارکس مجموعه بزرگی از یادداشت‌های خود را به عنوان «گروندریسه، یا کارپایه نقد اقتصاد سیاسی» به رشته تحریر در آورد، که مدت‌ها پس از مرگش در سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۱ نخستین بار در اتحاد شوروی سابق چاپ شد. این اثر که به فارسی نیز ترجمه شده، شالوده کتاب سرمایه و به طور کلی سنگ بنای وجه اقتصادی مارکسیسم به شمار می‌رود.

به عقیده مارکس بزرگ و انبوه شدن در ذات سرمایه است، و ثابت ماندن در حکم مرگ آن است. وی، تلاش می‌کند اثبات نماید که این رشد تا ابد ممکن نیست و در جایی به رکود و سپس بحران می‌کشد و آن‌گاه است که ساعت مرگ سرمایه فرا می‌رسد.

مارکس، قصد داشت در اثری یگانه، تمام ویژگی‌ها، جوانب، روابط و موازین سیستم سرمایه داری را تحلیل و نقد کند. در واقع کتاب سرمایه، اثری بسیار پرمغز و پیچیده است.

جلد اول سرمایه تنها در هزار نسخه به سال ۱۸۶۷ در هامبورگ منتشر شد. (مارکس در سال ۱۸۸۳ درگذشت.) جلد دوم سرمایه در سال ۱۸۸۵ و جلد سوم آن در سال ۱۸۹۴ به همت رفیق و یاور او فریدریش انگلس انتشار یافت.

بعدها از یادداشت‌های تکمیلی مارکس، کتابی به عنوان «تئوری‌های ارزش اضافی» تدوین شد، که گاه از آن به عنوان جلد چهارم سرمایه نام برده می‌شود. این اثر نیز به سازوکار سیستم سرمایه داری و نقد آن اختصاص دارد.

جلد اول کتاب سیر طولانی سرمایه را در طول تاریخ دنبال می‌کند: از نخستین وجوه مبادله، پیدایش و رواج پول تا بالاترین جلوه های سرمایه خالص انحصاری. مارکس اشکال سرمایه، مدارج گوناگون و مراحل دگرپدیی آن را به تفصیل و با مثال های فراوان تشریح می‌کند.

سرمایه از سه مرحله می‌گذرد: پولی، تولیدی و کالائی. سرمایه پولی در ورود به بازار کار، با نیروی کار و وسایل تولید همراه می‌شود، و به صورت سرمایه تولیدی یا سرمایه بارآور درمی‌آید. سرمایه تولیدی با تولید کالا به سرمایه کالائی متحول می‌شود. کالا با ورود به بازار به نوبه خود، پول فراهم می‌آورد که باز بخش اعظم آن به سرمایه پولی بر می‌گردد و آن را با شتاب و شدت بیش تری به حرکت می‌اندازد. به نظر مارکس این سیر دورانی، مدام تندتر و پیچیده تر می‌شود.

در روند رشد سرمایه و بازتولید آن، مارکس مراحل مانند تجمع، انحصار و تمرکز را تشریح می‌کند. سرمایه تولیدی از آغاز دو بخش دارد: ثابت و شناور (ناپایدار). سرمایه شناور است که کار را به استخدام می‌گیرد (با تمایز میان کار مجرد و کار مشخص، کار مولد و غیرمولد). با ارزشی که بر اثر کار (یک نیروی اجتماعی) پدید می‌آید و به صورت کالا مجسم می‌شود، یک «ارزش افزوده» برمی‌گردد که سرمایه را باز هم فربه تر می‌کند. مارکس، شکل های گوناگون ارزش افزوده یا اضافی را به صورت مفصل و فنی توضیح می‌دهد.

به نظر مارکس بزرگ و انبوه شدن در ذات سرمایه است، و ثابت ماندن در حکم مرگ آن است. وی، تلاش می‌کند ثابت کند که این رشد تا ابد ممکن نیست و در جائی به رکود و سپس بحران می‌گشود و آن گاه است که ساعت مرگ سرمایه فرا می‌رسد.

تضاد اصلی که سرنوشت سرمایه را رقم می‌زند، تضادی است که میان سرشت جمعی نیروی کار برای تولید ارزش اضافی (سرچشمه سرمایه) و شکل فردی مالکیت ابزار تولید و محصولات تولیدی در می‌گیرد. همین تضاد است که سرانجام رشد سرمایه را به بن بست می‌کشد و ناقوس مرگ آن را به صدا در می‌آورد.

جلد دوم بار دیگر از فرایند تولید سرمایه داری سخن می‌گوید و از بازسازی فراگرد دورانی و بی پایان سرمایه (از روند تبدیل سرمایه به کالا تا مرحله سرمایه به سرمایه و...)

مارکس، نتیجه می‌گیرد: «انحصار سرمایه برای شیوه تولیدی که خود با آن و تحت تاثیر آن شکوفا شده، به صورت مانع رشد در می‌آید. تضاد میان تمرکز وسایل تولید از سوئی و سرشت اجتماعی نیروی کار از سوی دیگر به حدی می‌رسد که هم نشینی آن ها دیگر در پوسته سرمایه داری نمی‌گنجد. این پوسته سرانجام می‌ترکد.»

جلد سوم سرمایه، به کارکردهای و پدیده‌های مشخص سیستم سرمایه داری بر پایه داده های نظری دو جلد پیشین کتاب می‌پردازد. روابط کاری و موازین دستمزد، مناسبات تولید و توزیع و مصرف، رقابت بنگاه های مالی و تجاری، سرمایه گذاری در زمین و املاک غیرمنقول و سرانجام مقاومت مزدگیران به صورت مبارزه متشکل طبقاتی...

مارکس، از جمله توضیح می‌دهد که با پیشرفت فنی، تناسب میان سرمایه ثابت و سرمایه شناور به سود اولی به هم می‌ریزد، در حالی که بیش ترین سود همیشه از بخش دوم ناشی می‌شود. با پائین آمدن میزان سود، انگیزه تولید افت می‌کند، و سرمایه از رشد و تکامل، یعنی عنصر حیاتی خود دور می‌افتد. علایم بیماری به صورت رشته ای از عارضه های اقتصادی و اجتماعی ظاهر می‌شود. سرانجام با یورش گورکنانی که سرمایه داری خود آفریده است (پرولتاریا) ناقوس مرگ آن به صدا در می‌آید.

مارکس، فروپاشی قطعی حکومت سرمایه را نوید می‌دهد: «هر نظم تاریخی در تکامل جامعه، پایه های مادی سامانه ای برتر را فراهم می‌آورد. هر شکل اجتماعی در مرحله معینی از کمال، جای خود را به نظمی بالاتر می‌دهد. هنگامی که تضاد میان مناسبات توزیع ثروت، که بازتاب شکل تاریخی مناسبات تولیدی هستند، با نیروهای تولید و

ظرفیت های تولیدی به نهایت برسد، تعارض دامنه و ژرفای بی سابقه ای پیدا می کند. در این حال برخوردی قطعی میان تکامل مادی تولید و شکل اجتماعی آن پدید می آید.» مارکس این شرایط را زمینه ای برای انقلاب اجتماعی می نامد..

واقعیت این است که آثار مارکس، به خصوص برخی از ژرف نگری های کتاب سرمایه، در جهان امروز نیز راه گشا و روشنگر است. برای مارکس کار انسانی تنها سرچشمه هرگونه ارزشی است. سرمایه داری بر تولید ارزش متکی است، اما در نظمی آشفته و مهارگسسته، شیوه های انحرافی و تقلب آمیز رواج می یابد که سودآوری را بدون هیچ ارزشی ممکن می سازد. بورس بازی و معاملات بی پایان با اوراق بهادار و... به این ترتیب، مارکس سی سال عمرش را وقف تجزیه و تحلیل سیستم سرمایه داری و بدیل طبقاتی آن نمود که در نتیجه اثر معروف خویش «کاپیتال» را به رشته تحریر درآورد.

اگر در مجموع به مارکس اقتصاد دان، سیاستمدار، فیلسوف و جامعه شناس و سازمانده جنبش بین المللی کارگری نگاه کنیم به این نتیجه می رسیم که هدف اساسی و اندیشه محوری در ایده های وی آزادی، برابری، سعادت و خوشبختی انسان ها است. از این رو بدون تردید می توان گفت که وی، یکی از صادق ترین و معتقدترین هومانایست های جهان نیز بود. مارکس، هیچ ادعائی نداشت و یک انسان متفکر و سازمانده بود مبرا از اشتباه و خطا نبود. مارکس بنیادی ترین چارچوب مستقلی برای تفکر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را به جهانیان به ویژه جنبش کارگری عرضه نموده است. بدون شک، رجوع مستقیم به اندیشه مارکس، تنها راه رهایی بشر از یوغ و ستم و استثمار سرمایه داری است. گرامی داشت کارل مارکس را، با سروده «انترناسیونال» به پایان می برم. این سروده را زنده یاد «احمد شاملو»، از متن فرانسوی آن ترجمه کرده و در شماره ۳۳ «کتاب جمعه» (ویژه نامه روز اول ماه مه)، به تاریخ ۱۱ ثور سال ۱۳۵۹ خورشیدی منتشر کرده است.

برخیزید، دوزخیان زمین!

برخیزید، زنجیریان گرسنگی!

عقل از دهانه آتشفشان خویش تندر وار می غرد

اینک! فوران نهائی ست این.

بساط گذشته بروبیم،

به پا خیزید! خیل بردگان، به پا خیزید!

جهان از بنیاد دیگرگون می شود

هیچیم کنون، «همه» گردیم!

نبرد نهائی ست این.

به هم گرد آنیم

و فردا «بین الملل»

طریق بشری خواهد شد.

رهاننده برتری در کار نیست،

نه آسمان، نه قیصر، نه خطیب.

خود به رهایی خویش برخیزیم، ای تولید گران!

رستگاری مشترک را برپا داریم!

تا راهزن، آن چه را که ربوده رها کند،

تا روح از بند رهائی یابد،

خود به کوره خویش بردمیم

و آهن را گرماگرم بگوئیم!

نبرد نهائی ست این.

به هم گرد آئیم

و فردا «بین الملل»

طریق بشری خواهد شد.

کارگران، برزگران

فرقه عظیم زحمتکشانیما

جهان جز از آن آدمیان نیست

مسکن بی مصرفان جای دیگری است.

تا کی از شیره جان ما بنوشند؟

اما، امروز و فردا،

چندان که غرابان و کرکسان نابود شوند

آفتاب، جاودانه خواهد درخشید.

نبرد نهائی ست این.

به هم گرد آئیم

و فردا «بین الملل»

طریق بشری خواهد شد.

ضمیمه:

فریدریش انگلس، فیلسوف و انقلابی کمونیست المانی و نزدیک ترین رفیق و همکار کارل مارکس، در ۶ جون ۱۸۵۳ انگلس نامه ای به مارکس می نویسد که در آن نامه به تفصیل از ایران، از زبان پارسی و شعر و نثر فارسی یاد می کند. بخشی از این نامه که انگلس در آن دیدگاه خود را در مورد زبان فارسی بیان می کند به صورت زیر است:

«... چند هفته ای است که در پهنه ادبیات و هنر مشرق زمین غرق شده ام. از فرصت استفاده کرده و به آموختن زبان فارسی پرداخته ام. آن چه تاکنون مانع شده است تا به آموختن زبان عربی بپردازم، از یک سو نفرت ذاتی من به زبان های سامی است و از سوی دیگر وسعت غیرقابل توصیف این زبان دشوار با حدود چهار هزار ریشه که در دو تا سه هزار سال شکل گرفته است.

به عکس، زبان فارسی، زبانی است بسیار آسان و راحت. اگر الفبای عربی نبود که همیشه پنج، شش حرف تقریباً یک صدا تلفظ می شوند و اعراب نیز روی کلمه ها گذاشته نمی شود که دشواری هائی در خواندن و نوشتن به وجود می آورد، من می توانستم در ۴۸ ساعت دستور زبان فارسی را فرا بگیرم. این هم به دلیل لچ بازی با «پیپر»^۱ است. اگر او خیلی مایل است که با من به رقابت برخیزد، این گوی و این میدان. زمانی را که برای فراگیری زبان فارسی در نظر گرفته ام حداکثر سه هفته است. حال اگر آقای پیپر توانست در دو ماه این زبان را بهتر از من یاد بگیرد اذعان می کنم که او در زمینه فراگیری زبان از من به مراتب بهتر است.

برای «وایتلینگ»^۲ بسیار متأسفم که فارسی نمی‌داند. زیرا اگر با این زبان آشنائی داشت می‌توانست آن زبان جهانی که در آرزو داشته را بیابد. به عقیده من فارسی تنها زبانی است که در آن مفعول بی واسطه و با واسطه وجود ندارد...»
۱- ویلهلم پیپر، زبان شناس و روزنامه نگار و عضو اتحادیه کمونیست ها، جزو مهاجرینی بود که در لندن زندگی می‌کرد.

۲- ویلهلم وایتلینگ، در آغاز شاگرد نجار بود. پس از آشنائی با مارکس و انگلس از کمونیست های فعال شد و در سال ۱۸۴۹ به امریکا مهاجرت کرد. وی، در آرزوی یک زبان جهانی بود و برای این منظور زبان المانی را پیشنهاد کرده بود منتها با حذف مفعول با واسطه و بی واسطه.

شنبه بیست و چهارم اسفند [حوت] ۱۳۹۲ - پانزدهم مارچ ۲۰۱۴